



۲۰۱۳/۰۲/۰۵

محمد اسماعيل حيدر

## چرا تند خويي؟؟؟

در نظريات رد و قبول اين دريچه، نظرم را مضمون پر از بغض و كينه و كدورت كه مطالعه آن خاطر را مكدرد، مي سازد از قلم آقاي پرويز جالب كرد و مرا كه كمتر در مسايل مداخله مي كنم و حتي در همين مورد هم، سكوت اختيار کرده بودم، بران داشت تا مختصراً اظهار نظر بكنم.

من شاعر نيستم، اما شعر خوب را بسيار دوست دارم و از خواندن آن حض می برم. از دوران صباوت با ديوان خواجه حافظ كه در خانه ما مانند ديگران، به احترام نگهداري می شد و هر چند روزی یکی از اعضاي خانه در آن فال می دید و پدر مرحومم با لذت و كيفيت خاص می خواند و تفسير و تعبيري می كرد، گوشم به زمزمه های ملكوتي شعر آشنا شده بود.

دواوين زيادی را پيدا كردم و در نشریه های كابل هم اشعار شعراي وطن را مطالعه می كردم، اما راست بگويم شعر حافظ شيرازی برای من لذت خاص داشت.

مصيبت های دوامدار در وطن با كودتاي خانه برانداز هفت ثور، بالآخره سبب شد من هم ترك يار و ديار گفته و در اروپا در كشور «هالنند» اقامت گزين شوم. در غربت نيز، علاوه از آنكه به كمك دوستان كتاب هایی از جمله ديوان حافظ را پيدا كردم، بالآخره دريافتم كه نشریه هایی در اروپا و امريكا نيز وجود دارند كه توسط فرهنگيان بلند مرتبه ما انتشار می يابند، از جمله مجله آئينه افغانستان و درد دل افغان به گردانندگی دانشمندانى به نام های پوهاند داکتر سيد خليل الله هاشمیان و محترم سراج الدين وهاج، یکی از سابقه داران مطبوعات وطن كه در كابل هم به نوشته های شان آشنائی داشتم. بيچارگی های غربت و دوری از وطن نوقم را به همه چيز، حتی به شعر هم، چنان تغيير داد كه هيچ شعری بجز آنكه در آن درد بی وطنی و مصيبت های جاری در آن ويرانكده و محروميت های غربت، تذكر داده شده باشد، در دلم چنگ نمی زد، و اين تشنگی را اشعار شعرايی كه خود رنج غربت و مهاجرت را می كشيده، و بيشترين اشعاری كه درد ها را صريح تر و كوئنده تر بيان می كرد، اشعار جناب نسيم اسير بود و تا كنون هست. علاقه ام به اشعار اسير چنان شد كه در سابق به شعر حضرت حافظ. موضوع قابل بحث من در اين جا كه از آن دور رفتم، موضوع انتخاب ملك الشعراء و نظريات دوستان درين دريچه است كه قبل از همه چند سوالی ارائه می كنم و بعد سر مطلب اصلی اشاره می نمايم :

۱: مرحوم محمد طاهر هاتف را كياها به اين مقام انتخاب کرده بودند.؟؟

۲: تعيين و انتخاب ملك الشعراي جديد حتمی و ضروريست؟؟

۳: درين آشفته بازار كه مردم ما هر كدام دنياي خود، آزادی خود و بيرق خود را بلند تر از همه به اهتزاز آورده اند، كسی به كسی تن خواهد داد، و شخص ديگری را بالا تر از خود به عنوان ملك قبول خواهد كرد؟؟ چنانچه در هيچانات نوشته آقاي پرويز ديده می شود.

من ندانستم هدف اصلی اين انتقاد، شخص شاعر نامزد شده به اين مقام است و يا پيشنهاد كننده اين موضوع آقاي ولي احمد نوری، به نظر من هر دو بيگناه هستند، چه شاعر خود در نوشته چند روز پيش، انتشار يافته همين سايت، اين مقام را برای خود، بيشتر از استحقاق وانمود کرده و آقاي ولي نوری هم خواسته خدمتی در راه فرهنگ انجام بدهد.

بهتر بود آقاي پرويز، نوشته خود را با شاخه يی از گل می آراست و مانند محترم لمر جباری، با دسته يی از گل خوشبو، اين نظريه را رد می كرد، نه با بد خويی و تند مزاجی.

د پايو شميره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاری ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليكني دليكنيزي بني پاڼوالي د ليكوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ

در پایان اگر ملاک تعیین ملک الشعراء به کمیت و کیفیت شعر خوب بخصوص تیارز دهنده درد مردم باشد، درین راستا آقای اسیر در نظر من پیشقدم است و هر دو مورد در اشعار شان نهفته است، من رأی مثبت خود را نثار راهش می کنم و اگر معیار از نگاه پروانه پرویز چیز دیگر است، بنویسند و رهنمایی کنند تا همه به پیروی از ایشان بدون بد بینی، تصمیم نهائی گرفته و به موضوع پایان داده شود.

والسلام محمد اسماعیل حیدر

از هالند

۵ جنوری ۲۰۱۳

---

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ